

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

فرستنده: خالق داد پغمانی- موشن

۲۷ نومبر ۲۰۱۵

به جای مقدمه:

یکی از دوستان که در کشوری مانند افغانستان، به فکر ایجاد "کمیته دفاع از حیوانات" افتاده است، بعد از مطالعه نوشته هایم در مورد "هاشمیان" و وی را ملقب به "خرفیلسوف" معرفی داشتن، در دفاع از خر برآمده و با لحن شدیدی بر من احتجاج نموده است، که چرا ما حیوانات دوپای هر دنائت، پستی، توحش و جنایتی را که خود مرتکب می شویم، به یکی از حیوانات که هیچ گاهی به مانند اولاد آدم، درنده، مضر و بیرحم نیستند، نسبت می دهیم.

این دوست با شدت و حدت غیر قابل تصویری از من خواسته است، تا نوشته اش را در مورد خر امکان نشر دهم در غیر آن از طرف "کمیته دفاع از حیوانات" – بخش خانگی- بالایم عریضه نموده، پایم را به خارنوالی دولت دست نشانده خواهد کشاند، و آنوقت خود خواهم دید که در موجودیت تمام دار و دسته ملا "عمر" در آنجا، بی احترامی به "خرفیلسوف" یعنی چه؟

از شما چه پنهان، چون خیلی ترسیدم، آن نوشته را بدون کدام دخل و تصرفی فرستادم. امیدوارم این دوست به مانند "هاشمیان" که بعد از مشخص ساختن اغلاطش، به جرم ویراستاری علیه ویراستاران پورتال و شخصیت های قابل احترامش به لگد پراگنی آغاز نمود، بر من نتازد. هر چند از هیچ انسانی که به مانند "هاشمیان" با شیر فحشاء بزرگ نشده باشد، نمی توان چنین انتظاری داشت. این شما و هم نوشته ارسالی:

اندر حکایت خر

خر جانوری است که نامش بدون هیچ شرحی یک بار در اوستا آمده است.

طول عمر خر بین ۱۵ تا ۴۰ سال است.

خر در قرآن یک بار برای زنده شدن پس از مرگ و یک بار برای «ان انکر الاصوات لصوت الحمیر» به کار رفته است: نمی داند شاید هم آواز خر خوب نباشد.

در پژوهش های دانشمندان باهوش ترین حیوان خانگی است. حتی از سگ و گربه خیلی باهوش تر است.

داستان "شغال خر سوار" در مرزبان نامه هم آمده است.

خلاف باور رایج، خر، خر نیست، باهوش است!

هیچ گاه یک اشتباه را دو بار تکرار نمی کند!

هیچ گاه پایش دو بار توی یک پل نمی رود!

تنها یک بار که از خانه صاحبش رفت صحرا و برگشت، راه را یاد می گیرد!

به قول یکی از استادان گاو از خر خرتتر است؛ چون گاو نان را با سفره پلاستیکی اش می خورد و می میرد، ولی خر نمی خورد!

تنها مشکلی که خر دارد اگر فرستادی اش بالای بام ، دیگر پائین نمی آید تا خود و اهل خانه را هلاک نکند! این نکته مهمی است....

البته این مشکل خر نیست، مشکل آن خر یا خرائی است که خر را را بالا می نشانند!

در شعر نیز کاربرد زیادی داشته است. بهترین کاربرد اجتماعی آن در شعر نسیم شمال :
لال شوم کور شوم کر شوم لیک محال است که من خر شوم

و در شعر منسوب به خیام :

خر باش که این جماعت از فرط خری هر گونه خر است کافرش پندارند

و در شعر بهار :

تا خرنند این قوم ، رندان خر سواری می کنند وین خران در زیر ایشان آه و زاری می کنند

لکن رندان مذکور مردم را به دو گروه خر تقسیم می کنند:

مقلدانی که سواری خوب می دهند، گویند پالانیشان راست است.

و

هوشمندانی را که سواری نمی دهند، می گویند پالانیشان کج است!!

این بود اندر حکایت خر

حالا خود قضاوت کنید خر تر از مقلد ... خر تری هست

هزار بار آزموده را، می آزماید هنوز

افزوده:

از دوستی که این دفاعیه از خر را فرستاده است، یک جهان ممنون. تا جایی که این قلم می داند، مشکل با "خرفیلسوف" هم زمانی آغاز شد که از یک جانب کسانی وی را "بالا" کردند- ببخشید بردند- و از جانب دیگر عده ای در قالب مقلدان از جان گذشته، بر حماقت هایش "احسنت" گفتند. بدین شکل بود که از یک نیمه انسان، "خر فیلسوف" تولد یافت.

پغمانی